



لباس فروشی، بخش عمده‌ای از بازار پروانه را تشکیل می‌دهد



هر کالای قدیمی، می‌تواند در بازار پروانه مشتری داشته باشد



حقانی پارک کنند. اینجا ترافیک کمتری دارد. سپس با پیاده‌روی ۱۵ دقیقه‌ای و گذر از کنار موزه دفاع مقدس خود را به این جمعه‌بازار برسانند. ساعات بازدید از ۸ صبح تا ۵ بعدازظهر است؛ اما اگر از سمت مترو حقانی و پارکینگ کنار آن راهی این مقصد نشدید، می‌توانید با خودرو شخصی از طریق اتوبان همت (شرق به غرب)، پس از خروجی حقانی یا اتوبان حقانی (غرب به شرق) پس از عبور از اتوبان مدرس به اینجا بیایید که البته حتماً ۲۰ الی ۳۰ دقیقه‌ای در ترافیک برای رسیدن به مقصد و پیدا کردن جای پارک معطل خواهید ماند. به مقصد که رسیدید، یک سمت محوطه باغ هنر محل فروش عتیقه‌جات است؛ اما از دل آن راهرویی به دل لباس‌فروشی‌ها و صنایع دستی‌فروشی‌ها پیدا می‌کنید و با خروج از سالن و عبور از پله‌ها می‌توانید به طبقه دوم هم سری بزنید.



توقع دیدن آن ۲ الی ۳ هزار نفر فروشنده پیشین را اینجا نداشته باشید. خبری از اجناس عتیقه‌قبلی هم نیست و سبک و سیاق این اجناس هم فرق کرده است. گویی عتیقه‌فروش‌ها ریسک آوردن اشیاء به جان نمی‌خورند. فروشندگانی که همین دو سال آمده‌اند همه راضی هستند؛ چون هیچ تصویری از پاساژ پروانه سابق ندارند. محل برای فروش اجناس پیدا کرده‌اند و این تا حدودی راضی‌شان می‌کند؛ اما اگر از مردم عادی یا فروشندگان قدیمی پاساژ پروانه بپرسید، هیچ کدام راضی نیستند. یکی می‌گوید پاساژ پروانه مثل خانه مادر بزرگ‌هاست. آدم در خانه مادر بزرگش راحت است حتی اگر بخاری نباشد و باید از کرسی استفاده کند. حتی اگر دستشویی فرنگی نباشد. اصلاً لذت‌خانه مادر بزرگ‌ها به همان لحاف کرسی و کاسه بشقاب قدیمی و صفا و صمیمیتش است. بازار پروانه این حس را گم کرده است. آدم نمی‌داند از دل آن دیگر چه می‌خواهد.

فروشندگان هم همین حس را دارند. از گرمای تابستان و سرمای زمستان شاکی‌اند. از اینکه تکلیف مشتریانشان مشخص نیست. این که آمده‌اند موزه را ببینند یا در باغ هنر و کتاب قدم بزنند و از سر تفریح و بی‌هیچ دلیلی اینجا پرسه می‌زنند یا واقعاً برای خرید آمده‌اند. فاصله زیاد تا مترو یا خودروها هم سبب می‌شود مردم اجناس سنگین وزن مثل صندلی یا مفرشات را نخرند.

**پارکینگ پروانه را هیچ مسئولی پارکینگ پروانه نکرده بود. این مردمی از جنس پاساژ پروانه بودند که آنجا را جمعه‌بازاری از جنس خودش کرده بودند. از پیرمردان و پیرزنانی که دنبال یک تکه از اجناس شکسته‌شان می‌گشتند تا آن را تکمیل کنند یا زنان و مردان میان‌سالی که به یاد جوانی آنجا قدم می‌زدند و دنبال چیزی برای زدن به زخم زندگی و آبروداری جلو میهمانان بودند یا جوانان، روزنامه‌نگاران و هنرمندانی که دنبال یک خود گمشده می‌گشتند و یا گردشگرانی که می‌خواستند یکی از هیجان‌انگیزترین پاتوق‌های خرید ایرانیان پایتخت را در یک روز جمعه ببینند و تجربه کنند. پاساژ پروانه عصاره ناب یک هویت پنهان در دل تاریخ تهران بود. پایتخت، کم پاتوق‌های اینچنینی نداشته؛ پاتوق‌هایی با هویت مخصوص خودشان به قول امروزی‌ها، برند. زمانی در دوره قاجار صحن امامزاده زید این ویژگی‌ها را داشته است. زمانی بازار سید اسماعیل، حتی مسجد و مدرسه سپهسالار با طلبه‌های ساکن در آن و حوزه علمیه‌اش، برای دوره‌هایی محل بساط دستفروشان و یکی از محل‌های معروف تهران برای گشت و گذار و شاید خرید از بساط‌های اینچنینی اطراف صحن مسجد بوده و یا تمبر و سکه‌فروش‌های کنار موزه پست در میدان توپخانه یا انگشتر فروش‌های بیرون مسجد شاه و البته بساط کتاب‌فروش‌های کنار خیابان انقلاب.**

آدم‌ها در صندوقچه خاطراتشان نگه می‌دارند و هر چند وقت یک بار زنگار آن را پاک می‌کنند.

پارکینگ پروانه را هیچ مسئولی پارکینگ پروانه نکرده بود. این مردمی از جنس پاساژ پروانه بودند که آنجا را جمعه‌بازاری از جنس خودش کرده بودند. از پیرمردان و پیرزنانی که دنبال یک تکه از اجناس شکسته‌شان می‌گشتند تا آن را تکمیل کنند یا زنان و مردان میان‌سالی که به یاد جوانی آنجا قدم می‌زدند و دنبال چیزی برای زدن به زخم زندگی و آبروداری جلو میهمانان بودند یا جوانان، روزنامه‌نگاران و هنرمندانی که دنبال یک خود گمشده می‌گشتند و یا گردشگرانی که می‌خواستند یکی از هیجان‌انگیزترین پاتوق‌های خرید ایرانیان پایتخت را در یک روز جمعه ببینند و تجربه کنند. پاساژ پروانه عصاره ناب یک هویت پنهان در دل تاریخ تهران بود. پایتخت، کم پاتوق‌های اینچنینی نداشته؛ پاتوق‌هایی با هویت مخصوص خودشان به قول امروزی‌ها، برند. زمانی در دوره قاجار صحن امامزاده زید این ویژگی‌ها را داشته است. زمانی بازار سید اسماعیل، حتی مسجد و مدرسه سپهسالار با طلبه‌های ساکن در آن و حوزه علمیه‌اش، برای دوره‌هایی محل بساط دستفروشان و یکی از محل‌های معروف تهران برای گشت و گذار و شاید خرید از بساط‌های اینچنینی اطراف صحن مسجد بوده و یا تمبر و سکه‌فروش‌های کنار موزه پست در میدان توپخانه یا انگشتر فروش‌های بیرون مسجد شاه و البته بساط کتاب‌فروش‌های کنار خیابان انقلاب.

جالب آنکه در دنیا هم بازارهای هفتگی مشهوری وجود دارد که حتی گردشگران خارجی حتماً سری به آن‌ها می‌زنند مانند بازار هفتگی «یورنهایم» فرانکفورت آلمان که شنبه‌ها و چهارشنبه‌ها برپاست یا شنبه‌بازار استانبول در محله «باکرکوی» و شنبه‌بازار «بشیکتاش» در تنگه «بِسفر» استانبول، جمعه‌بازار هفتگی «چاتوچاک» در بانکوک تایلند، بازار «درای بریج» تغلیس، یکشنبه‌بازار هنر و عتیقه «ناویلیو» میلان ایتالیا و... .



برای رفتن به جمعه‌بازار پروانه اراضی عباس آباد اگر قصد استفاده از مترو را دارید می‌توانید از ایستگاه مترو شهید حقانی و یا مترو شهید همت خودتان را به جمعه‌بازار فعلی برسانید. آن‌هایی هم که خودرو دارند بهتر است کنار پارکینگ